



عنوان مقاله : بررسی اسماع و استماع صدای زن

حمید عظیمی

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

h.azimiii1234@gmail.com

نوید عظیمی

کارشناسی علوم تربیتی

navaz1375@gmail.com

چکیده

مساله صدای زن از جمله مسائل مهمی است که همواره در اسلام مورد توجه فقیهان بوده است و در این مورد سؤالاتی برای یک مسلمان شکل می گیرد؛ آیا صدای زن مانند بدن و زیبایی های او باید مخفی باشد یا می تواند آشکار شود؟ آیا گوش دادن به این صداها جایز است؟ گوش دادن به صداهاى محرک زن چه حکمی دارد؟ آواز یا صدای زن ذاتا حرام است؟ ملاک تشخیص حرام و حلال بودن در فقه چیست؟ امروزه فعالیت های زنان در عرصه های مختلف شغلی و دانشگاهی و محافل علمی و هنری و فرهنگی و... به چشم می خورد؛ لذا باید بررسی شود که حکم اسماع و استماع صدای زنان در سخنرانی، اذان و اقامه، قرائت قرآن و نماز و آوازخوانی و نوحه خوانی و... چیست؟ هدف از نگارش این مقاله، پاسخ به این سؤالات است. با بررسی ادله های فقهی می توان به این نتیجه رسید که هر نوع آواز و صدایی از زن حرام شمرده نمی شود بلکه تنها صداهاى مناسب مجالس لهو و فساد که مصداق غناست یا اینکه آهنگش غنایی است و آواز های زنانه در عروسی که مردان در آنان راه یابند حرام است اگرچه در شخصی تحریک شهوت کند یا نکند. بنابراین بایستی ابتدا به بررسی مفهوم و مصادیق اسماع و استماع در لغت و اصطلاح فقها پرداخت تا بتوانیم به مصادیق صدای حرام و غیر حرام زنان برسیم.

واژگان کلیدی: زن، صدای زن، آواز زن، اسماع، استماع



مقدمه

«اسماع» شنواندن صدایی است که سبب تحریک مرد نامحرم و لذت بردن و یا ترس از مبتلا شدن به گناه و پیامدهای دیگر آن باشد (عمید، 1389، ص 167).

صرف سخن گفتن و حرف زدن معمولی و عادی زن با مرد نامحرم، تا زمانی که ایجاد مفسده ننماید، از نظر شرعی، عرفی و عقلایی، جایز است. همچنین است صورتی که زن با خانم‌ها یا با محارم خود سخن بگوید و صدای او را مرد نامحرمی بشنود که همه اینها جایز است؛ حتی اگر ضرورتی برای سخن گفتن وجود نداشته باشد. البته با توجه به این که خانم‌ها دارای جاذبه و کشش‌های فراوانی برای آقایان هستند، بهتر است تا آن جا که ممکن است، از طول دادن سخن و حرف‌های غیر ضروری با مرد نامحرم، خودداری کنند. در این گونه امور، خانم‌ها هر مقدار احتیاط کنند، خوب و مطلوب است؛ تا اندازه‌ای که نسبت به بلند نماز خواندن (عاملی، 1416، کتاب الصلاة، باب ۲۵ و ۳۱ از ابواب قرائت در نماز). و بلند لبیک گفتن (همان، کتاب حج، باب ۳۸ از ابواب احرام). خانم‌ها در صورتی که نامحرم صدای آنان را می‌شنود، نهی شده است. آن چه مورد بحث ماست و در رابطه با آن نظرهای مختلفی وجود دارد، خوانندگی زن مقابل مردان نامحرم است.

این مسئله، دو صورت دارد؛ صورت اول آن است که خوانندگی و تکیه بر صوت خانم مقابل مردان، دارای مفسده باشد؛ یعنی آنها را به ارتکاب حرام اندازد و موجب تلذذ غریزی و جنسی آنان گردد یا احتمال وقوع شدنشان در حرام را به وجود آورد. در این صورت، هیچ اختلافی وجود ندارد که خواندن و شنیدن برای خواننده و مردان شنونده، حرام است. صورت دوم آن است که زن خواننده نمی‌داند این عمل او برای شنوندگان مفسده‌ای دارد یا خیر (نراقی، 1379، ص 69).

به نظر می‌رسد آیه «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (احزاب، 32) «پس با ناز و نازک کردن صدا، سخن مگویید؛ زیرا آن که در دلش بیماری است، طمع می‌ورزد.» دلالت بر حرمت، حتی در این صورت می‌نماید؛ زیرا تخضع از ریشه خضوع به معنای نازک کردن صداست و شکی نیست که خواندن مطلبی با تکیه بر صوت و آواز، از بارزترین مصادیق آن است و در نتیجه، در گفتار زنان، هر صوتی که مصداق خضوع باشد، مشمول دلالت این آیه شریفه می‌شود؛ خواه مضمون آن کلام، مباح و معروف باشد یا مستهجن و بد؛ البته اگر مضمون کلام مستهجن یا مشتمل بر دروغ و تهمت و مفسده باشد، روشن است که از این جهت نیز حرام است؛ اما بحث ما فعلاً در کیفیت ادای جملات توسط زنان است؛ نه مضمون خود جمله و به همین جهت، حتی اگر قرآن و تواشیح بخوانند، اشکال دارد. اگر گفته شود آن چه در آیه مورد نهی قرار گرفته، آوازی است که موجب طمع و وسوسه در قلب و دل مردان شنونده‌ای شود که در قلبشان مرض بی‌ایمانی و بی‌تقوایی و وسوسه وجود دارد و خانمی که خوانندگی می‌کند، علم ندارد که در میان حضار و شنوندگان، چنین مردی وجود دارد و در نتیجه، مسئله از باب شک در حرمت است و فقها گفته‌اند که در چنین شکی، حکم به حرمت نمی‌شود و براءت از حرمت جاری می‌گردد (نراقی، 1379، ص 70).

در پاسخ باید گفت: موضوع نهی و حرمت، صرف خضوع و نازک کردن کلام است؛ نه «خضوع در قولی که موجب طمع در دل شخص مریض» گردد؛ زیرا این قید، قابل تحصیل نیست؛ مگر برای کسانی که علم غیب داشته باشند؛ یعنی زن از کجا بفهمد که شخص مریض از نظر ایمان و تقوا در میان حضار وجود دارد یا خیر؟ بنابراین، اگر آن جمله «فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» جزء موضوع حرمت و نهی باشد، لغو است؛ زیرا مکلف که یک خانم خواننده است، نه علم به سلامت مستمعین خود دارد و نه علم به مرض آنها و در نتیجه، باید موضوع حرمت، «نفس خضوع در قول زن» باشد.



اگر اشکال شود که ملاک حرمت، خضوع در قول است که نوعاً و به طور غالب، موجب طمع در قلب شخص مریض شود، مانند غنا که ملاک حرمت آن این است که برای نوع انسان‌ها مهیج باشد، نه تک تک اشخاص بخصوص.

در پاسخ باید گفت: قبول داریم که آن چه موجب طمع و وسوسه انسان‌ها می‌شود، یک امر عرفی است؛ مانند مهیج بودن در غنا؛ ولی عرف نسبت به اشخاص متعارف و متعادل، آن را می‌فهمد؛ یعنی درک می‌کند که این کیفیت و نوع از آواز، انسان‌های معمولی را دچار مفسده و مشکل می‌کند؛ ولی نسبت به کسانی که در قلبشان مرض است، این درک را ندارد؛ زیرا امیال و هواهای نفسانی اشخاص مریض، قابل درج در یک ضابطه مشخص نیست؛ چون مردم در شدت و ضعف مرض روحی و ایمانشان، متفاوت هستند و این در حالی است که آیه شریفه اطلاق دارد و با اطلاقش، همه مراتب مرض را شامل می‌شود و به عبارت دیگر، موجبات طمع شخصی که دچار بیماری ضعف ایمان است، یک امر مشخص و محدود نیست که عرف بتواند آن را تشخیص دهد و بدین جهت، خداوند در آیه مذکور خواسته از ایجاد طمع و وسوسه همه مریض‌ها جلوگیری کند پس موضوع حرمت، قولی که «علم داشته باشی که موجب افساد در قلوب مستمعین گردد»، نیست؛ تا گفته شود تمسک به دلیل در شبهه موضوعیه خود دلیل است و مجرای برائت می‌باشد. به همین جهت، زنان از خضوع و نازک کردن صدا برای کسی که پشت درب خانه زنگ یا در می‌زند، نهی شده‌اند؛ در حالی که خانمی که در داخل خانه است، نمی‌داند آیا کسی که پشت در است، در قلبش بیماری روحی و ایمانی وجود دارد یا خیر. بنابراین موضوع نهی و حرمت در آیه مورد بحث، نفس خضوع در قول است و موضوع آیه، خضوع خاص نیست؛ زیرا تحصیل و علم به وجود این قید برای مکلف، غیرممکن است و تحت هیچ ضابطه‌ای در نمی‌آید.

در نتیجه، معنای عرفی آیه این می‌شود: ای خانم‌ها! صدای خود را نازک نکنید؛ این عمل، حرام است؛ زیرا من که خالق شما هستم، می‌دانم که این کار موجب طمع و وسوسه انسان‌های سست ایمان می‌گردد و این بدان معناست که کسی که همین الان فی قلبه مرض است، بالفعل وسوسه می‌شود و کسی که فعلاً فی قلبه مرض نیست، این کار شما، موجب مرض و وسوسه او در آینده می‌گردد؛ یعنی این کار، بیماری زاست. بنابراین، از این آیه می‌توان استفاده کرد که خوانندگی زن برای نامحرم، چه به صورت تک خوانی و چه به صورت دسته جمعی مطلقاً حرام است و این کار در شأن یک زن مؤمن و متین و با شخصیت نیست. لازم به ذکر است که هیچ یک از مراجع تقلید و فقها نیز به شکل مطلق، قائل به حلیت این عمل نشده‌اند؛ بلکه، برخی فرموده‌اند «اگر مفسده نداشته باشد، اشکال ندارد» و با توجه به این که مراد از مفسده، اعم از مفسده بالفعل و بالقوه است، باید گفت: با شناختی که از روحیات آقایان و جاذبه خانم‌ها برای آنها، مخصوصاً مردهایی که جوان و مجرد هستند، وجود دارد، تحقق مفسده، امری قطعی است؛ زیرا کمترین مرتبه مفسده و ضرر در این موارد، تیره و تار شدن روح و سلب حال عبادت و ذکر خداست که اگر ادامه پیدا کند، زمینه برای دوری از خدا و ارتکاب گناهان فراهم می‌شود و این ضرر، هم برای خانم خواننده قابل تصور است و هم برای مرد شنونده (مجلسی، 1313، ص 52).

«استماع»، شنیدن از روی اراده و قصد است بر خلاف «سماع» که اعم از شنیدن از روی قصد یا بدون قصد است. این عنوان در باب‌های صلوات، تجارت، نکاح، طلاق و قضاء آمده است. (هاشمی شاهرودی، 1382، ج 1، 484)

بنابر آنچه که گفته شد، و به تبع حرمت خواندن غنایی، گوش دادن به آواز غنا نیز حرام خواهد بود و تفاوتی میان شنیدن صدای زن و مرد وجود ندارد. (خامنه‌ای، 1388، سوال 1143)

آنچه به عنوان دلیل عدم جواز خوانندگی زن بیان شد؛ یعنی ترس از تحریک شهوت، حکم شنیدن و گوش دادن به صدای خوانندگان زن را برای نامحرم نیز مشخص می‌سازد و می‌تواند دلیل بر عدم جواز آن باشد.



آیت الله خامنه‌ای در جواب استفتایی در این رابطه می‌فرماید: «شنیدن صدای زن اگر غنا نباشد، حرمت شرعی ندارد؛ مگر آن که به قصد ریه یا موجب ترتب مفسده باشد، ولی شنیدن خوانندگی زن که غالباً مشتمل بر مفسده است، جایز نیست» (خامنه‌ای، 1388، سوال 1146).

گوش دادن به غنا که عبارت است از ترجیع صدا به نحوی که طرب‌انگیز و مناسب با مجالس لهو و گناه باشد، مطلقاً حرام است، حتی غنای زن برای شوهرش و بالعکس و قصد لذت بردن از همسر، استماع غنا را مباح نمی‌کند و حرمت غنا و مانند آن، با تعبد به شرع ثابت شده و از احکام ثابت فقه شیعه محسوب می‌شود و دائر مدار ملاکات فرضی و آثار روانی و اجتماعی نمی‌باشد، بلکه تا زمانی که این عنوان حرام بر آن صدق کند، حکم آن حرمت و وجوب اجتناب به طور مطلق است. (خامنه‌ای، 1388، سوال 1156)

همچنین آیت الله بهجت معتقد بودند که «گوش دادن به آواز زن خواننده بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، هر چند قصد ریه ولذت نباشد. (بهجت، 1378، ج 4: سوال 6351 و 6352).

پیشینه پژوهش

در این زمینه اثر مستقلی نگاشته نشده است. فقیهان در آثار مستقل غنایی و غیرمستقل خود در ضمن باب غنا اقوال و آرای را بطور کلی و جزئی بیان نموده‌اند.

از آثار مستقل غنایی: مقامات السالکین در دبابی، رساله ای در باب غنای میرزای قمی و...

از آثار غیر مستقل از جمله: الوافی فیض کاشانی، کفایة الاحکام محقق سبزواری، صاحب جواهر الکلام و... که با توجه به احادیث و آیات غنا به موارد حرمت و جواز آواز زنان و کنیزان آوازخوان در ذیل باب تجارت و شهادت اشاره کرده‌اند.

شیخ انصاری، شهید ثانی، امام خمینی (ره) و... نیز ذیل مکاسب محرمة درباره اجر آواز زنان مطالبی ذکر کرده‌اند.

بعضی از فقیهان غیرمعاصر و معاصر همچون آیت الله مکارم شیرازی در کتاب احکام النساء یا در ضمن استفتائات غنایی خود احکامی را برای آواز و صدای زن صادر کرده اند همچون: استفتائات غنایی آیت الله شیرازی، استفتائات آیت الله خویی و...

همچنین فقها در رابطه با حرمت یا جواز اسماع و استماع صدای زن در حالات عادی (قرائت نماز، جهریه، تلبیه و اقامه) و حالات غیر معمول (اذان و قرائت قرآن و نوحه خوانی ...) مطالبی را ذکر کرده‌اند. از جمله صاحب جواهر الکلام، مستمسک العروه الوثقی حکیم طباطبایی و...

محققان معاصر نیز در مبحث کلی صدای زن به موارد و مصادیق حرمت و حلیت صدای زن دست یافته اند. از جمله ورعی در صدای زن، طاهری نیا در ارتباط گفتاری زن و مرد و...

سوالات تحقیق

1. چرا صدای زن در همه شرایط عورت نبوده و بالذات حرام نیست ؟
2. آواز و صدای زن در چه مواردی از حرمت استثنا شده است و حلیت دارد؟



3. آواز و صدای زن چه زمان، مطلقاً حرام است؟

4. ملاک عورت بودن و حرام بودن ذاتی صدای زن چیست؟

فرضیه‌ها

1. آواز و صدای زن مطلقاً و بالذات حرام نیست و در حکم عورت نیست.

2. آواز و صدای زن در مواردی از حرمت استثنا شده است و حلیت دارد.

3. آواز و صدای زن اگر از مصادیق غنای حرام باشد، مطلقاً حرام است.

4. صدای زن اگر همراه با خضوع و نرمی گناه آلود باشد، مطلقاً حرام است.

اهداف پژوهش

1. شناخت مصداق‌های واقعی غنای حلال زنان از غنای حرام در آیات و روایات

2. بررسی این مسئله که صدای زن در همه شرایط همچون عورت اوست یا نه؟

3. بررسی آرای فقها و عالمان در زمینه غنا و صدای زن در مسائل مستحدثه

4. رفع سرگردانی و تحیر از مسلمین در رابطه با تشخیص غنا و آواز حرام از غنا و آواز حلال

5. رسیدن به الگوی عملی صحیح درباره‌ی شیوه درست برگزاری اعیاد و مناسبت‌های مذهبی و ملی

ضرورت انجام پژوهش

1. از آنجایی که مفهوم غنا یا آواز زن یک مفهومی است که مورد ابتلاء عموم مردم است لذا باید این مفاهیم و حکم آواز و صدای زن و موارد حرمت و جواز آن از هم جدا شود تا اینکه حکم خداوند پنهان نشود و اگر مواردی آواز و صدای زن جایز است چرا نباید آنها را به مسلمانان بگوییم تا به حکم واقعی عمل کنند.

2. با استفاده از ادله فقهی می‌توان در ابعاد نظری به گسترش دانش نظری در زمینه مطالعات فقهی در ارتباط با حرمت و حلیت آواز و صدای زن دست یافت.

3. یکی از مهمترین عوامل که فساد اخلاقی را در جامعه ترویج می‌دهد موسیقی مطربی و غناست و بعضی از مردم آگاهانه یا از روی جهل این عامل خطرناک را در جامعه پرورش می‌دهند.

1- اسماع صدای زن

1-1- اقوال فقها درباره‌ی اسماع صدای زن

صاحب جواهر در عین حال که گوش دادن مرد به صدای محرک زن نامحرم را حرام شمرده و حرمت آن را قطعی دانسته، در مورد وظیفه زن «ترک اسماع» را شایسته و بهتر توصیف کرده است. وی پس از تجویز گوش دادن به صدای عادی و معمولی زن نامحرم، اجتناب از رساندن صدایی که شنونده را تحریک می‌کند و از نوعی زیبایی و نازکی برخوردار است، برای زنان متدین را نیکو توصیف می‌کند و دلیل آن را آیه «لا تخضعن بالقول» می‌شمارد (نجفی، 1362، ج 29: ص 97).



گویا از نظر فقها در این مسأله دلیل دیگری غیر از آیه وجود ندارد. برخی از شارحان «العروة الوثقی» (خوئی، 1409، ج 1: ص 102) در مستند ساختن فتوای سیدمحمدکاظم یزدی، به پیروی از او، آیه شریفه را مستند «حرمت اسماع صدای محرک زن» قرار داده و به دلیل دیگری تمسک نکرده اند. در عروة آمده است:

« وَ يَحْرُمُ عَلَيْهَا أَسْمَاعُ الصَّوْتِ الَّتِي فِيهَا تَهْيِيجُ لِلسَّمَاعِ بِتَحْسِينِهِ وَ تَرْقِيقِهِ؛ قَالَ تَعَالَى: « فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّتِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ » (یزدی، 1420، ج 5، 490).

معنای این سخن پیشتر گذشت. اکثر فقهای متأخر بدون حاشیه زدن بر این مسأله، آن را پذیرفته اند. مرحوم سیدمحسن حکیم چون آیه را مربوط به همسران پیامبر می داند، استفاده حرمت را جایز ندانسته و همچون صاحب جواهر ترک «اسماع» و «استماع» را شایسته توصیف کرده و حتی مستند کلام صاحب جواهر را قصور آیه از اثبات «حرمت اسماع» در برای همه زنان دانسته و «ارتکاز متشرعه» (ذهنیت متدینان) را مقتضی حرمت شمرده است (طباطبایی، 1391، ج 14: ص 49).

با توجه به بحث مفصلی که در باره آیه انجام گرفت، حکم این مسأله روشن است: اولاً: آیه را شامل همه زنان ندانستیم، مگر به ضمیمه قاعده «اشتراک در تکلیف» یا فراگیر بودن تعلیل در آیه (طمع ورزی بیماردلان)؛ یعنی چون طمع ورزی اختصاص به شنیدن صدای همسران پیامبر ندارد و هر مرد بیماردلی از صدای مهیج و نازک زن نامحرم دچار طمع می شود و هوسرانی می کند، «خضوع در قول» بر هر زنی حرام است. ثانیاً: خضوع در قول را، شامل «لحن و آهنگ صدا» و «محتوا» دانستیم؛ لذا هر سخنی که به لحاظ آهنگ و محتوا دارای ناز و کرشمه در برابر مخاطب نامحرم باشد، ممنوع است. ثالثاً: گستره «طمع ورزی بیماردلان» را هر چند محدودتر از هر لذت بردن و تحریک شدن دانستیم، اما آنقدر محدود نیست که فقط شامل موردی شود که برای شنونده بیماردل، زمینه کامجویی فراهم باشد، بلکه هر صدایی که شنونده را دچار وسوسه کند و امیدوار به بهره جویی از صاحب صدا گردد، شامل می شود. بنابراین زن نامحرم نمی تواند به صورت مهیج و محرک با مرد نامحرم سخن بگوید و صدای خود را به گوش او برساند، به طوری که اگر شنونده شخص بیماردلی باشد، هوس کند و در او طمع ورزد و امیدوار به سوء استفاده شود.

به نظر می رسد نهی در آیه، آن هم خطاب به همسران پیامبر، به سخن گفتنی مربوط است که در بین برخی زنان لابلایی و هوسران برای جلب توجه مردان نامحرم رایج است، نه سخن گفتن عادی و معمولی، هر چند ممکن است برخی از سخن گفتن های عادی برای بعضی شنوندگان مهیج و محرک باشد، اما «تهییج و تحریک شخصی» کافی نیست، بلکه «تحریک و تهییج نوعی و همگانی» ملاک است. البته اگر زنی دارای صدای زیبایی باشد و بداند از سخن گفتن عادی و معمولی او - بدون آنکه خضوع در قول مطرح باشد - شنونده تحریک شده و احیاناً هوس می کند، باز به حکم تعلیل آیه، نباید صدای خود را به گوش چنین مرد نامحرمی برساند. به علاوه در چنین مواردی که زن از تهییج شنونده و طمع ورزی او آگاه است، «اسماع» می تواند با عنوان «اعانه بر اثم» حرام باشد، البته به شرطی که زن قصد تحریک داشته باشد. در غیر این صورت فقها هر چند در این مسأله در باره این فرض بحث نکرده اند، اما در موارد مشابه، کار شخص را حرام نمی دانند. «شیخ انصاری در بحث فروش انگور به کسی که فروشنده می داند برای مشروب سازی انگور می خرد، فرموده اند: آگاهی فروشنده از قصد خریدار سبب نمی شود فروش انگورها مصداق اعانه بر اثم باشد، مگر آنکه به این قصد بفروشد.» (انصاری، 1415، ج 1: ص 129 و 130). چرا که زن به سخن گفتن معمولی مبادرت کرده که کار حلالی است، منتهی شنونده خوشش آمده و چون بیماردل است، در او طمع کرده است. در این فرض بعید است زن کار حرامی مرتکب شده باشد، هر چند بداند شنونده لذت می برد و در او طمع می کند، ولی چون چنین قصدی ندارد و به نظر بعضی فقها صدق مفهوم «اعانه» بسته به قصد و نیت است، کار او اعانه و کمک بر گناه نیست. (ورعی، 1379، ش 108)



1-2- اعانه بر اثم

«اعانه بر گناه» عنوانی است که در بعضی مباحث فقهی مورد استناد قرار گرفته است. این عنوان از آیه «تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَكُلًّا تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ در راه نیکی و پرهیزگاری همکاری کنید و در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید» (سوره مائده، آیه 2) گرفته شده است. در این بحث محقق نراقی با اشاره به این دلیل در صدد پاسخ به معتقدان به حرمت سماع برآمده، در بحث صدای معمولی زن می گوید: «اگر شنیدن حرام بود، سخن گفتن با آنان حرام می شد، زیرا سبب حرام و همکاری در گناه، حرام است» (نراقی، 1415، ج 16: ص 68).

از این عبارت برمی آید از نظر ایشان سخن گفتن زن و اسماع، سبب استماع است و اگر استماع حرام باشد. - چنان که در بحث ما، یعنی گوش دادن به صدای محرک و مهیج زن حرام است - اسماع نیز به عنوان «اعانه بر اثم» حرام خواهد بود. آیا «اعانه بر اثم» می تواند دلیلی بر «حرمت اسماع» باشد.

برای رسیدن به پاسخ این سوال ذکر چند نکته لازم است:

7
اولاً: آیه «تعاون بر اثم» را که همکاری در گناه باشد، نهی کرده است؛ یعنی مردم همان طور که حق ندارند مرتکب گناه شوند، حق ندارند برای انجام گناه همکاری کنند. از این رو معلوم نیست بتوان حرمت «اعانه بر اثم» را از آیه استنباط کرد. آنچه حرام است «تعاون بر اثم» است، نه «اعانه بر اثم»، مگر آنکه گفته شود اگر تعاون تفکیک شود و مورد ملاحظه قرار گیرد، «اعانه» خواهد بود. همکاری دو نفر برای ارتکاب گناه، ارتکاب دو کار توسط دو نفر است که کار هر کدام «اعانه بر اثم» است و از «حرمت تعاون بر اثم» می توان «حرمت اعانه بر اثم» را از هر دو طرف استفاده کرد.

ثانیاً: در اینکه «اعانه بر اثم» چه زمانی تحقق می یابد، میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. تنها شیخ انصاری، چهار دیدگاه در این زمینه ارائه کرده و می گوید:

- بعضی قصد و نیت را در تحقق اعانه لازم دانسته اند. (محقق ثانی در جامع المقاصد)
- بعضی (محقق نراقی در عوائد الایام) علاوه بر قصد، تحقق مورد اعانه (معان علیه) را نیز لازم دانسته اند و تا وقتی گناه تحقق پیدا نکند، عنوان «اعانه بر اثم» صدق نمی کند.
- بعضی (شیخ در مبسوط) نه تنها تحقق گناه را در صدق مفهوم اعانه معتبر نمی دانند، بلکه قصد را هم لازم نمی دانند.
- بعضی (محقق اردبیلی در زبده البیان) آن را بسته به قصد یا صدق عرفی دانسته اند.

در پایان شیخ انصاری دیدگاه محقق اردبیلی را تحسین کرده و پس از بحث و بررسی اظهار نظر کرده است: «به هر حال، اگر موارد اعانه را از طریق عرف بتوان تشخیص داد، همین تشخیص ملاک است، ولی اگر در موردی از طریق عرف نتوانستیم مفهوم اعانه را تشخیص دهیم، قصد معین در تحقق آن دخیل است» (انصاری، 1415، ج 1: ص 132 - 141).

با توجه به توضیحات یادشده، چنانچه از نظر عرف سخن گفتن مهیج و محرک زن (اسماع) با توجه به اینکه مرد نامحرم می شنود و تحریک می شود، «اعانه بر گناه» تلقی شود، حرام است، ولی چنانچه عرف چنین قضاوتی نداشته باشد، بسته به قصد زن از این گونه سخن گفتن است؛ اگر هدفش، تحریک و تهییج شهوانی مرد نامحرم باشد، حرام است، ولی اگر چنین قصدی



ندارد، بلکه طبیعتاً صدا یا سخن گفتن او تحریک کننده می‌باشد و مرد نامحرم از آن لذت می‌برد، سخن گفتن زن حرام نخواهد بود. به نظر می‌رسد عرف، سخن گفتن عادی زن را هر چند به لحاظ آهنگ صدایش محرک باشد و به طور طبیعی شنونده را تحریک کند، «اعانه بر گناه» نمی‌شمارد، و دلایلی چون آیه «و لا تخضعن بالقول» مربوط به موردی است که زن با خضوع در گفتار و با نازک کردن صدا یا اظهار سخنان مهیج، قصد تحریک و تهییج شنونده را داشته باشد؛ از این رو حرمت و ممنوعیت اسماع، بسته به قصد و غرض زن است، مگر آنکه کسی تعلیل در آیه را مورد استناد قرار دهد و هر جا که از صدا و سخنی، بیمار دلان طمع می‌ورزند، سخن گفتن حرام باشد، هر چند مصداق خضوع در قول نباشد یا زن قصد نداشته باشد اعانه بر اثم کند. در این صورت زن مجاز نیست به گونه‌ای سخن بگوید که بیمار دلان طمع کنند، چه قصد داشته و چه نداشته باشد.

علاوه بر «خضوع در قول» و «اعانه بر اثم»، دلیل دیگری بر «ممنوعیت رساندن صدای محرک به گوش مرد نامحرم» وجود دارد. عدم استحباب اذان گفتن با صدای بلند برای زنان، عدم وجوب جهر (قرائت با صدای بلند) در نمازهای جهریه (صبح، مغرب و عشا) و عدم استحباب جهر در تلبیه (لیک گفتن در حج)، می‌تواند دلیلی بر ممنوعیت باشد (نجفی، 1362، ص 521).

دلایل موجود در فروع یاد شده، دلالت بر «حرمت صدای زن و عورت بودن آن» ندارد به طوری که زن نتواند صدایش را به گوش مرد نامحرم برساند. معلوم نیست علت عدم استحباب اذان و اقامه و عدم وجوب جهر در نماز و عدم استحباب آن در تلبیه، «عورت بودن صدای زن» باشد، چرا که در صورت عدم حضور نامحرم نیز چنین تکلیفی بر عهده زن هست. (ورعی، 1379، ش 108)

1-3- حکم غنا و آواز خوانی زن در مجلس عروسی

غنا و آواز خوانی زن در شب عروسی را همه ی مراجع (به جز سیستانی و مکارم): اگر محتوای آن باطل نباشد، اشکال نمی‌دانند (خمینی، 1365، ج 1، م 13؛ صافی، بی تا، ج 1، م 1698؛ تبریزی، 1378، س 1057؛ بهجت، 1379، ج 1، م 1449؛ وحید خراسانی، 1419، ق 3، م 17؛ نوری، پرسش از مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی 09640). آیات عظام سیستانی و مکارم: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (مکارم، 1379، ج 1، س 523؛ سیستانی، بی تا، ج 2).

پس مراجعی که، آواز خوانی زن در شب عروسی را جایز می‌دانند که صدای او را مرد اجنبی نشنود و به همراه آن موسیقی لهنوی نیز به کار نرود. طبق همین پرسش‌هایی در رابطه با خوانندگی زن مطرح می‌شود (عزیزی ناصرآباد، 1392، ص 88).

پرسش: در شب عروسی آواز زن را بر روی نوار یا سی دی ضبط می‌کنند، آیا بر زنان جایز است در روزهای دیگر نیز آن را گوش کنند؟

همه ی مراجع: خیر، جواز استماع آواز خوانی زن، مختص به شب عروسی است و گوش دادن در غیر این شب جایز نیست (تبریزی، 1417، ج 6، س 1446؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ‌گویی 09640).

پرسش: آیا جایز است زن در شب عروسی (در مجلس زنان)، غنا و آواز بخواند و عده‌ای به رقص و زدن بر روی میز و صندلی مشغول شوند؟ حکم چنین مجلسی از نظر شرع چیست. (البته از آلات موسیقی استفاده نمی‌شود)؟



همه ی مراجع (به جز تبریزی و خامنه ای): در فرض مذکور اشکال ندارد (مکارم، 1379، ج 1، س 535؛ صافی، 1378، ج 1، س 1023؛ لنکرانی، 1379، ج 1، س 1763 و 1737؛ بقیه: پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

آیت الله تبریزی: اگر مرد یا پسر ممیز در مجلس زنانه حضور نداشته باشد و از موسیقی لهنوی نیز استفاده نکنند، آواز زن در مجلس زنان و رقص زن برای زنان و زدن بر میز و صندلی و مانند آن - که از آلات موسیقی محسوب نمی شود - اشکال ندارد (تبریزی، 1417، ق، ج 6، س 1456، 1448 و 1444).

آیت الله خامنه ای: اگر کیفیت زدن به شیوه متداول در عروسی های سنتی باشد و لهنو محسوب نشود و نیز رقص زن برای زنان، باعث تحریک شهوت و یا مفسده ی دیگر نگردد، اشکال ندارد (خامنه ای، 1381، س 1133 و 1134 و 1166).

1-4- صدای مداحی زن

در برخی موارد مرثیه خوانی و یا مداحی زنان در مجلس خودشان، به گونه ای است که صدای آنان با بلندگو به گوش مردان رهگذر می رسد، که نظر مراجع در این رابطه را جویا می شویم:

همه ی مراجع (به جز مکارم): اگر صدای آنان در معرض ربه، تلذذ و تهییج شهوت باشد، جایز نیست (لنکرانی، 1379، ج 1، س 2182؛ صافی، 1378، ج 2، س 1681؛ خامنه ای 1381، س 1145؛ نوری، 1378، ج 2، س 545؛ خمینی، 1372، ج 3، صص 57-65؛ تبریزی، 1378، س 1058؛ مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی).

آیت الله مکارم: مطلقاً جایز نمی دانند (مکارم، 1379، ج 2، س 764، و ج 1، س 785).

1-5- صدای خنده زن

خندیدن و حتی لبخند هنگام صحبت با مرد نامحرم، طبق نظر همه ی مراجع: اگر خنده او طوری باشد که باعث تهییج شهوت نامحرم شود، جایز نیست (صافی، 1378، ج 2، س 1670؛ سیستانی، بی تا، ج 3، م 29؛ نوری و مکارم و خمینی، 1413، ق، م 39؛ پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

1-6- صدای تلاوت زن

صدای تلاوت زن در مقابل مرد نامحرم طبق نظر همه ی مراجع تقلید، اگر به صورت غنایی و باعث تهییج شهوت و در پی آن مفسده باشد جایز نیست.

پرسش: بانوانی که در رشته علوم و فنون کتابت و قرائت قرآن مجید، در دانشگاه تحصیل می کنند و قرائت صوت جزء درس های اصلی می باشد، خواندن قرآن با صوت زیبا برای یادگیری در مقابل استاد مرد چگونه است؟

همه ی مراجع (به جز مکارم): اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت شنونده نگردد و مفسده ی دیگری نیز نداشته باشد، اشکال ندارد (خمینی، 1372، ج 3، س 65؛ صافی، 1378، ج 2، س 1676 و 1674 و 1671 و 1677؛ خامنه ای، 1381، س 1145؛ لنکرانی 1379، ج 1، س 1721؛ نوری، 1378، ج 2، س 545 و 549؛ تبریزی، 1378، س 1609).



سیستانی، sistani.org (غناء) ش 3؛ بهجت پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی (09640). آیت الله مکارم: جایز نیست (مکارم، 1379، ج 1، س 785).

7-1- صدای کودکان زن

پرسش: آیا زن می تواند در برنامه های کودکان و امثال آن، صدای خود را به لحن کودکان در بیاورد و آواز بخواند؟ آیات عظام امام، بهجت، صافی، فاضل و مکارم: خیر، خوانندگی زن (به هر شکلی که باشد). جایز نیست و گوش دادن به آن نیز حرام است (صافی، 1378، ج 2، س 1671؛ لنگرانی، 1379، ج 1، س 1724؛ مکارم، 1379، ج 2، س 709؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی (09640).

آیات عظام تبریزی، خامنه ای، سیستانی، نوری و وحید: اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت شنونده نشود و مفسده ای بر آن مرتبت نگردد، اشکال ندارد و گوش دادن به آن نیز جایز است (تبریزی، 1378، س 1058 و 1049 و 1075؛ خامنه ای، 1381، س 1145؛ نیشابوری، 1427، ج 1، س 44 و سایت سیستانی www.sistani.org، س 5).

8-1- حکم هم خوانی زنان

پرسش: هم خوانی زنان در سرودها و تواشیح، چه حکمی دارد و آیا شنیدن آن جایز است؟

آیات عظام امام، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، فاضل، نوری و وحید: اگر باعث تهییج شهوت و مفسده نگردد، اشکال ندارد (خمینی، 1372، ج 3، س 64؛ لنگرانی، 1379، ج 1، س 1722؛ تبریزی، 1378، س 1058؛ خامنه ای، 1381، س 1145؛ نوری، 1378، ج 2، س 544 و 545 و 549؛ پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی (09640).

آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: اگر باعث مفسده شود، حرام است و بدون آن نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (مکارم، 1379، ج 1، س 522؛ صافی، 1378، ج 2، س 1674 و 1675؛ بهجت: پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی (09640).

9-1- حکم جمع خوانی زن و مرد

پرسش: هم خوانی زنان و مردان در سرودها و تواشیح، چه حکمی دارد؟ آیا شنیدن آن جایز است؟

آیات عظام امام، تبریزی، خامنه ای، سیستانی، فاضل، نوری و وحید: اگر به صورت غنا نباشد و باعث تهییج شهوت نشود و مفسده ی دیگری نیز نداشته باشد، اشکال ندارد (تبریزی، 1378، س 1058؛ خامنه ای، 1381، س 1145؛ نوری، 1378، ج 2، س 544 و 545 و 549؛ سیستانی غنا، س 6؛ www.sistani.org؛ لنگرانی، 1379، ج 1، س 1722 و 997؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی (09640).

آیات عظام بهجت، صافی و مکارم: اگر باعث مفسده شود، حرام است و بدون آن نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (مکارم، 1379، ج 1؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی (09640).



10-1- آواز زن برای شوهر

پرسش: آیا آواز خواندن زن برای شوهرش جایز است؟

همه ی مراجع: اگر به صورت غنا باشد، جایز نیست (خامنه ای، 1381، س 1155؛ خمینی، 1372، ج 2، س 34؛ تبریزی، 1378، س 1083؛ مکارم، 1379، ج 1، س 529؛ نوری، 1378، ج 1، س 529؛ بقیه؛ پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی 09640).

11-1- غنا و آوازخوانی زن در جشن میلاد امامان

پرسش هشتم: آیا غنا و آوازخوانی زن در مجالس جشن میلاد و اعیاد ائمه و مانند آن جایز است؟

همه ی مراجع: خیر، غنا و آوازخوانی زن در میلاد و اعیاد ائمه و جشن های دیگر، حرام است (خمینی، 1365، ج 1، م 13؛ صافی، بی تا، 1378، ج 1، م؛ تبریزی، 1378، س 10571698؛ لنکرانی، 1379، ج 1، س 997؛ خامنه ای، 1381، س 1134؛ بهجت، 1379، ج 1، م 1449؛ وحید خراسانی، 1419، ق، ج 3، م 17؛ مکارم، 1379، ج 1، س 523؛ نوری، پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

12-1- حکم مجوز وزارت ارشاد در آوازخوانی زن

پرسش نهم: آیا مجوز وزارت ارشاد در حکم تک خوانی و یا جمع خوانی زن و مرد تأثیر دارد؟

همه ی مراجع: مجوز وزارت ارشاد یا هر نهاد دیگری، هیچ تأثیری در حکم ندارد (لنکرانی، 1379، ج 1، س 992 و 995؛ صافی، 1378، ج 2، س 1681؛ خامنه ای، 1381، س 1128 و 1139؛ خمینی، 1372، ج 2، احکام نظر، س 25؛ تبریزی، 1378، س 1043؛ نوری، 1378، ج 1، س 439؛ بقیه؛ پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

2- استماع صدای زن

1-2- دلایل حرمت استماع صدای زن

دلایل «حرمت استماع صدا و آواز محرک زن نامحرم» عبارتند از:

1-1-2- سلام کردن به زنان جوان ممنوع است.

امام صادق(ع) فرمود: «رسول خدا بر زنان سلام می کرد و آنان نیز پاسخ می دادند و امیرالمؤمنین نیز بر زنان سلام می کرد و سلام کردن به زنان جوان را نمی پسندید و می فرمود: می ترسم از صدای او خوشم آید که در این صورت گناهی که نصیبم می شود، بیش از پاداشی باشد که از سلام کردن نصیبم می گردد.» (عاملی، 1416، ج 20، ص 234، ج 3).

شیخ صدوق پس از نقل روایت فوق با دو احتمال در صدد توجیه برآمده است؛ توجیه اول: حضرت در صدد تعلیم دیگران است، چرا که خوش داشتن صدای زن جوان، با مقام و عصمت حضرت ناسازگار است. توجیه دوم: مقصود حضرت این است که می ترسم کسی گمان کند از شنیدن صدای زن جوان خوشم می آید و با چنین گمانی کافر شود (صدوق، 1404، ج 3، ص 469، ج 4634).



در پاسخ شیخ صدوق گفته‌اند که عصمت با خوش داشتن صدای زن نامحرم، منافاتی ندارد، چرا که بشر بودن امامان اقتضا دارد از مشاهده مناظر زیبا یا شنیدن صداهای خوش لذت ببرند؛ از این رو روایت را بی نیاز از توجیه دانسته‌اند. به علاوه حضرت می فرماید: «اگر به زنان جوان سلام کنم، ممکن است خوشم آمده، لذت ببرم و چون این لذت ممنوع است، من آن را ترک می کنم.» توجیهاات مرحوم صدوق مبتنی بر آن است که «من الاثم» (خوف گناه) جزء روایت باشد، ولی چون در بعضی نقلها این واژه وجود ندارد، محقق نراقی بر استدلال به روایت خرده گرفته که معلوم نیست گوش دادن به صدای زن جوان پس از سلام کردن، گناه باشد تا حرمت ثابت شود، بلکه ممکن است مکروه باشد، چون حضرت دوست نداشت به زنان جوان سلام کند و می فرمود: می ترسم از صدای او خوشم بیاید و چیزی بیش از اجر و پاداشی که انتظار دارم، متوجه من شود. حتی اگر «من الاثم» در روایت باشد، دلالت نمی کند صرف گوش دادن به صدای مهیج زن حرام باشد، بلکه اگر محرک شهوت باشد و انسان را به فساد بکشاند، حرام است. (نراقی، 1404 ج 16، ص 69).

2-1-2- خضوع (ناز و کرشمه) در گفتار ممنوع است

دلیل دیگری که بدان بر حرمت گوش دادن به صدای تحریک کننده استدلال شده، این آیه است: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْتَنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ ای زنان پیامبر! شما مانند زنان دیگر نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس خضوع در گفتار نکنید، تا بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن نیکو بگویید.» (سوره احزاب، آیه 33)

2-2- شنیدن صدای ترانه زن

پرسش: گوش دادن به صدای ترانه ی زن ایرانی و خارجی، چه حکمی دارد؟

همه ی مراجع: گوش دادن به غنا حرام است؛ خواه خواننده ایرانی باشد یا خارجی باشد (تبریزی، 1378، س 1069؛ خامنه ای، 1381، س 1142؛ لنکرانی، 1379، ج 1، س 1724؛ صافی، 1378، ج 2، س 1671؛ نوری، 1378، ج 2، س 549؛ مکارم، 1379، ج 2، س 709؛ سیستانی sistani.org، موسیقی، س 23؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

2-3- شنیدن غنای زن و آلات موسیقی در عروسی

پرسش: اگر زن در شب عروسی غنا بخواند، آیا مردان محرم می توانند به آن گوش فرا دهند؟

همه مراجع (به جز سیستانی، صافی و مکارم): اگر باعث تهییج شهوت مرد گردد، جایز نیست (خواه محرم باشد یا نامحرم). (خمینی، 1372، ج 1، ص 234؛ تبریزی، 1379؛ وحید خراسانی، 1419 ق، م 17).

آیت الله صافی: خیر، استماع آن بر مرد (خواه محرم باشد یا نامحرم)، حرام است (صافی، بی تا، ج 1، م 1698).

آیات عظام سیستانی و مکارم: بنا بر احتیاط واجب، آواز خوانی زن در شب عروسی جایز نیست (مکارم، 1379، ج 1، س 523 سیستانی، بی تا، ج 2، منهاج الصالحین به نقل از، www.sistani.org).

پرسش: استفاده از آهنگ‌های مبتذل (موسیقی حرام)، در مجالس عروسی زنان چه حکمی دارد؟



همه ی مراجع: گوش دادن به موسیقی حرام – هر چند در مجالس عروسی زنان باشد – جایز نیست.

تبصره. «موسیقی» و «غنا» دو مقوله است. آن چه که در مجالس عروسی زنان جایز شمرده شده، غنا و آوازخوانی زن است؛ ولی موسیقی لهوی در هر حال حرام است (خمینی، 1365، ج 1، م 13؛ خامنه ای، 1381، س 1134؛ بهجت، 1379، م 20؛ لنکرانی، 1379، ج 1، ص 997؛ سیستانی، بی تا، ج 2، م 20؛ وحید خراسانی، 1419، ق، ج 3، م 17؛ تبریزی، 1378، م 1057؛ خمینی، 1381، م 17؛ مکارم، 1379، ج 1، س 528؛ صافی، بی تا، ج 1، م 1698 و نوری پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

پرسش: آیا جایز است همراه غنا و آوازخوانی زن در مجالس عروسی، دف و دایره بزنند؟

همه ی مراجع (به جز سیستانی و مکارم): آوازخوانی زن در شب عروسی اشکال ندارد، ولی باید از دف و دایره زدن اجتناب شود (صافی، 1378، ج 1، س 1015؛ تبریزی، 1378، س 1057؛ لنکرانی، 1379، ج 1، س 1740 و 997؛ خامنه ای، 1381، س 1134؛ وحید خراسانی، 1419، ق، ج 3، م 17).

آیات عظام سیستانی و مکارم: آوازخوانی زن در شب عروسی، بنا بر احتیاط، واجب نیست و دف و دایره زدن، حکم سایر آلات موسیقی را دارد (سیستانی، بی تا، ج 2، م 20؛ مکارم، 1379، ج 1، س 528 و 523).

تبصره: دف و دایره زدن در این نوع مجالس، غالباً به صورت لهوی مورد استفاده قرار می گیرد، لذا مراجع بزرگوار تقلید آن را حرام می دانند.

2-4- شنیدن صدای گریه زن

حکم همه مراجع: استماع صدای گریه زن نامحرم، اگر باعث تهییج شهوت و مفسده نشود، اشکال ندارد (صافی، 1378، ج 2، س 1671؛ خامنه ای، 1381، س 1145؛ تبریزی، 1378، س 1058؛ بهجت، 1379، م 1936؛ لنکرانی، 1379، ج 1، س 1725؛ نوری، 1378، ج 2، س 549؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی 09640).

2-5- شنیدن صدای خنده زن

پرسش: شنیدن صدای خنده ی زنان در مجلس فامیلی و غیره، چه حکمی دارد؟

همه ی مراجع: اگر شنیدن آن باعث تلذذ و ترس افتادن به گناه نباشد اشکال ندارد (مکارم، 1379، ج 1، س 811؛ خمینی، فاضل، نوری، بی تا، م 39؛ صافی 1378، ج 2، س 1668 و 1671؛ تبریزی، 1378، س 1609؛ بهجت، 1379، م 1963؛ خامنه ای، 1381، س 1146؛ سیستانی، بی تا، م 29).

2-6- شنیدن صدای دکلمه زن

گوش کردن به صدای دکلمه ی زن اگرچه به صورت شعر و گاهی با احساسات شاعرانه نیز همراه است حکم آن را مراجع بزرگوار تقلید این گونه بیان کرده اند:

آیت الله صافی: جایز نیست (صافی، 1378، ج 2، س 1670 و 1675).



همه مراجع (به جز صافی): اگر باعث تهییج شهوت و مفسده نشود، اشکال ندارد. (لنکرانی، 1379، ج 1، س 1725؛ نوری 1378، ج 2، س 545 و 549؛ خامنه ای، 1381، س 1145؛ تبریزی، 1378، س 1076 و 1609؛ سیستانی، www.sistani.org (غنا) س 3؛ بقیه پرسش تلفنی از مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی).

3- تفکیک اسماع و استماع

به نظر می رسد که «گوش دادن به صدای محرک و لذت بخش زن نامحرم» را باید از مسأله «سخن گفتن مهیج و لذت بخش زن» جدا کرد و حکم سماع و اسماع را از یکدیگر تفکیک نمود و مورد بحث قرار داد، چنان که نویسنده «جواهر الکلام» حکم مسأله اول را قطعی شمرده، ولی در مسأله دوم حکم به احتیاط داده است. در ابتدای بحث می گوید: «قطعا جایز نیست نابینا - چه رسد به بینا - به صدای زن نامحرم به قصد لذت بردن یا در صورت خوف از دچار شدن به حرام یا فتنه، گوش سپارد».

سپس در خاتمه بحث می گوید: «شایسته است زن متدین از رساندن صدای خود به گوش شنونده که وی را تحریک می کند، و نیز کرشمه نازک کردن (بحرانی، 1414، ج 23، 66) صدای خود بپرهیزد.» (نجفی، 1362، ص 97 - 98).

اما بسیاری از فقها این دو بحث را تفکیک نکرده اند و گویا حکم یکی را ملازم دیگری دانسته اند، مثلاً محقق نراقی «حرمت استماع صدای زن» را ملازم با «حرمت اسماع صدایش به گوش نامحرم» دانسته است، چون اسماع اعانه بر اثم و گناه است (نراقی، 1379، ج 16، ص 68).

در کتب فقهی و فتوایی معاصر، این دو بحث تفکیک شده است. مرحوم سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی، نویسنده «العروة الوثقی» می نویسد:

شنیدن (گوش دادن به) صدای زن نامحرم، اگر توأم با لذت بردن و خوف دچار شدن به گناه نباشد، مانعی ندارد و فرق نمی کند شنونده بینا باشد، یا نابینا، گرچه احتیاط مستحب است تا ضرورت پیش نیامده، به صدای زن نامحرم گوش ندهد، و بر زن حرام است صدایی را که به خاطر زیبایی و نازک کردن، شنونده را تحریک می کند، به گوش او برساند. خداوند تعالی می فرماید: در سخن گفتن خضوع [کرشمه] نکنید تا هر که بیمار دل است، در شما طمع کند» (یزدی، 1420، ج 5، 490). اینک نوبت بررسی دلایل این دو مسأله است.

4- ملاک حکم

«حرمت گوش دادن به صدای زن نامحرم» و «حرمت شنوندن صدا به مرد نامحرم» آن چنان که در بعضی متون فقهی به چشم می خورد، بسته به «لذت بخش بودن صدا و لذت بردن مرد نامحرم» است یا ملاک «خوف فتنه» و «قصد ریبه» است. در بحث نگاه به نامحرم نیز چنین ملاک و معیاری وجود دارد. یا حکم حرمت اسماع، فقط بسته به کرشمه و نازک خاضعانه بودن صدا و سخن زن و طمع ورزی مرد نامحرم است.

قبل از ارائه توضیح در این زمینه، اشاره به معنای هر یک از عناوین یاد شده، لازم است. معنای لذت بخش بودن صدا یا نگاه، روشن است و نیازی به توضیح ندارد. «ریبه» را «ترس از افتادن به حرام» (شهید ثانی، 1414، ج 7: 44). یا «آنچه که انسان با شنیدن صدا یا نگاه کردن، در ذهن خود مجسم می کند» و یا «تمایل انسان به ارتکاب حرام که بر اثر شنیدن صدای نامحرم یا نگاه به او پیدا می شود» (هندی، بی تا، ج 2، ص 8). معنا کرده اند. فقها نگاه توأم با ریبه را به هر معنایی که مراد باشد، حرام شمرده اند، چنان که نگاهی که به قصد لذت بردن انجام می شود، به اتفاق



نظر فقها حرام است، ولی چنانچه کسی قصد لذت بردن نداشته باشد و اتفاقی از نگاه به نامحرم لذت ببرد، حرام نیست. شیخ مرتضی انصاری، فقیه برجسته شیعی در این زمینه می گوید:

«نگاه به زیبارویان اعم از مرد و زن، غالباً عاری از لذت بردن نیست، چون طبیعت بشر از نگاه به صحنه های زیبا لذت می برد و با آن همخوان و سازگار است. اگر نگاه به نامحرم در فرضی که قصد لذت بردن در کار نباشد و انسان با نگاه کردن لذت برد، حرام باشد، لازمه اش آن است که حکم نگاه به زیبارویان با حکم نگاه به افراد معمولی یا زشت رویان متفاوت باشد و فقط نگاه به چهره های زشت جایز باشد، در حالی که هیچ یک از فقها چنین تفاوت و تفصیلی در مسأله نگفته است.»

البته این سخن در صورتی است که لذت بردن انسان از زیبارویان مثل لذت بردن از یک منظره زیبا باشد، ولی لذت بردن انسان از طبیعت با لذت بردن از یک چهره زیبای زن تفاوت دارد. در آنجا تهییج شهوانی وجود ندارد، ولی لذت بردن از چهره زیبای زن توأم با تهییج شهوانی است؛ از این رو حکم یکسانی ندارند (نجفی، 1362، ص 523).

چنانچه به قصد لذت بردن یا به قصد ریبه به صدای زن نامحرم گوش دهد، به اتفاق نظر فقها حرام است. اما اگر به طور اتفاقی از صدای زن نامحرم لذت ببرد، یا در حرام بیفتد، دلیلی بر حرمت استماع نیست، گرچه در مواردی همچون صدای زن جوان که غالباً چنین پیامدی دارد، احتیاط کردن مطلوب است.

15

برخی از فقها روایاتی را که از سلام کردن به زنان یا گفتگوی با آنان نهی کرده است، مربوط به گفتگوی با زن جوان یا سلام کردن به او دانسته اند (انصاری، 1417، صص 53-68). چرا که معمولاً پیامدهای منفی دارد.

از طرف دیگر «نرم سخن گفتن زن» که بیماردلان را به طمع می اندازد، حرام شده و چه بسا نهی از این گونه سخن گفتن به خاطر آن است که غالباً مفسده به همراه دارد. پس در رساندن صدا به مرد نامحرم، یک ملاک بیشتر وجود ندارد و آن این است که زن نباید به گونه ای سخن بگوید که مرد نامحرم از صدای او لذت ببرد و در او طمع کند و احیاناً به گناه آلوده شود، چنان که در گوش دادن، مرد نامحرم حق ندارد به صدای محرک زن به قصد لذت بردن یا با فرض احتمال مبتلا شدن به حرام، گوش دهد.

ملاحظه می شود اسلام خواستار محدودیت در روابط مرد و زن نامحرم است. لذت بردن بی حد و حصر که با نگاه به زنان بیگانه یا شنیدن صدای آنان حاصل می شود، مطلوب نیست. آثار و پیامدهای منفی که لذت بردن و کامروایی بی حد و مرز زنان و مردان به دنبال دارد، سبب شده است چنین روابطی تحت ضابطه و قانون در آید. (ورعی، 1379، ش 108)

5- صدای غیر مستقیم زن

حکم مسأله، بسته به صدق عرفی است. اگر عرفاً صدای زنی که از ضبط یا رادیو و یا تلویزیون پخش می شود، با صدای او که به طور مستقیم شنیده می شود، تفاوتی نداشته باشد، دارای حکم یکسانی خواهند بود. ظاهراً عرف تفاوتی بین آنها قایل نیست. اگر صدایی به لحاظ مهیج بودن، شنونده را تحریک نماید، تفاوت نمی کند مستقیماً شنیده شود یا از ابزار صوتی و تصویری، اگر چه معمولاً در مواجهه مستقیم و رودررو شنیدن احتمال تحریک و تهییج بیشتر است، اما چون ملاک حرمت برای گوینده «خضوع در گفتار» یا صدایی است که «قصد تحریک شنونده» در آن باشد، و ملاک حرمت برای شنونده «قصد لذت بردن» و «ترس از افتادن در حرام» می باشد و هر دو ملاک می تواند در صدای غیر مستقیم زن وجود داشته باشد، لذا در حکم تفاوتی نخواهد داشت.



گرچه روایاتی که مورد استناد فقها قرار گرفته، روایت «نهی از سلام کردن به زنان جوان» است که مربوط به صدای مستقیم و بدون واسطه زن می‌شود، اما دو دلیل دیگر یعنی «نهی از خضوع در گفتار» و «نهی از اعانه بر اثم» اطلاق دارد و گسترده است و شامل سخن گفتن مستقیم و از طریق ابزارهای صوتی و تصویری می‌شود، چرا که در هر دو صورت مفسده «طمع ورزی بیمار دلان» را به دنبال دارد، مگر آنکه گفته شود در شنیدن صدای زن نامحرم از رادیو و تلویزیون، با پخش مستقیم یا غیر مستقیم، «طمع ورزی بیمار دلان» به زنی که در دسترس شنونده نیست، منتفی است و چون حکم حرمت اسماع، به سبب «طمع ورزی بیمار دلان» است، شنوندن صدا به مرد نامحرم به طور غیر مستقیم حرام نخواهد بود.

پاسخ این سخن آن است که آنچه مورد نهی قرار گرفته، «خضوع در گفتار» است که پیامد آن «طمع ورزی شنونده بیمار دل» است و لزومی ندارد این پیامد تحقق یابد؛ همین که گفتار زن به گونه‌ای باشد که توان چنین پیامدی را داشته باشد، کافی است. اگر سخن گفتن زن توأم با خضوع و خشوع باشد، هر چند به صورت غیر مستقیم، و شنونده بیمار دلی را - در صورت دسترسی به گوینده - به طمع اندازد، حرام خواهد بود.

اگر کسی در این دلیل مناقشه نماید، دلیل «اعانه بر اثم» در صدای غیر مستقیم وجود دارد، چون خضوع در قول چنانچه در مواجهه مستقیم با شنونده نباشد، چون او را تحریک می‌کند، «اعانه بر اثم» است که محکوم به حرمت است. دلایل دیگری که مطلق التذاذ و کامجویی از زن نامحرم را حرام کرده، شامل گوش سپردن به صدای محرک - هر چند غیر مستقیم - زن می‌شود، چنان که نگاه کردن توأم با تلذذ یا خوف دچار شدن به گناه به چهره زن نامحرم از تلویزیون حرام است. (ورعی، 1379، ش 108)

یکی از فقهای معاصر در پاسخ این سوال که «گوش دادن به دکلمه زن که از رادیو یا نوار پخش می‌شود، چگونه است». نوشته اند: «در صورتی که موجب تحریک مردان بر التذاذ جنسی نباشد، مانعی ندارد» (تبریزی، 1378، ص 225، مسأله 1076).

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی و در مواردی تحلیل محتوا بوده است. روشی که در این تحقیق بکار رفته است روش کتابخانه‌ای است. به این صورت که با استفاده از کتاب‌هایی که در مباحث غناء و صدای زن مستقلا و یا در ضمن مباحث فقهی نوشته شده است به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شده است. از طریق مراجعه به منابع موضوعی اعم از مراجعه به فیش‌های موضوعی کتابها و یا مراکز اطلاع‌رسانی کامپیوتری موجود در زمینه و در ارتباط با کتاب‌شناسی انجام گرفته است. با جستجو و بررسی کتب مربوطه و همچنین دستیابی به آرا و ادله فقها و عالمان مطرح به فیش‌نویسی اقدام شده است. سپس اقدام به دسته‌بندی مطالب ذیل موضوعات و عناوین مربوطه‌شان شده است. آرا و دلایلی که در یک راستا و هدف بوده‌اند در کنار هم و مطالبی که مقابل آنها بوده‌اند در یک طرف دیگر دسته‌بندی شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث در باره صدای مهیج زن که شنونده را تحریک می‌کند، نکات زیر به دست آمد:

1- گوش دادن به صدای محرک و مهیج زن نامحرم به قصد لذت بردن و ریه حرام است، و این حکم مورد اتفاق نظر فقهاست و از احکامی که در خصوص روابط زن و مرد تشریح شده و مراعات حریم را ضروری شمرده، و آیات و روایاتی که مورد استناد قرار گرفت و استفاده می‌شود.



2- گوش دادن به صدای محرک و مهیج زن بدون قصد لذت جویی و ریبه، حرام است؛ چرا که احتمال دچار شدن به گناه، به سبب تحریک قوای جنسی در چنین مواردی وجود دارد. بعید نیست علاوه بر روایاتی که در این زمینه وجود داشت و رعایت احتیاط استفاده می‌شد، حکم عقل به «لزوم دفع و ترک منکر» دلالت بر این معنا داشته باشد.

3- زن نامحرم نباید به گونه‌ای سخن بگوید که آهنگ صدا یا محتوای سخنان او شنونده را به طمع بیندازد و برای ایجاد ارتباط وسوسه شود. اگر زن با کیفیت سخن گفتن خویش چنین قصدی داشته باشد، مرتکب معصیت شده است، ولی چنانچه چنین قصدی نداشته باشد و مانند زنان فاقد شرم و حیا سخن نگوید، ولی سخن گفتن عادی او به لحاظ جوان بودن یا صوت زیبایی، شنونده را تحریک کند و به طمع اندازد، هر چند گوش دادن حرام نیست، اما احتیاط در چنین مواردی، برای جلوگیری از تهییج مطلوب است و چنانچه برای رضای خدا باشد، از ارج و قرب فراوانی برخوردار است. اگر سخن گفتن عادی زن افراد خاصی را به طمع اندازد، نه اغلب شنوندگان را، معلوم نیست در چنین مواردی، سخن گفتن و شنیدن ممنوع باشد.

4- غنا و آوازی که در گلو چرخانده شود و طرب انگیز و نیز باعث مفسده شود از دیدگاه فقها و مراجع تقلید معاصر حرام است و منظور از غنا اکثراً در این بخش غنایی است که مطلقاً حرام یا گوش دادن به آن جایز نیست. (تلاوت قرآن، خنده، گریه، مداحی، مولودی، آواز زن در عروسی در صورتی که مستمع آن مرد، صدای کودکان زن، آواز زن برای شوهرش، صدای دکلمه ی زن)؛

5- اکثر فقها معتقدند زن می‌تواند صدای خود را به گوش نامحرم برساند البته در صورتی که غنا نباشد و موجب تحریک شهوت و طمع بیماردلان واقع نشود مرد نیز می‌تواند به صدای زن نامحرم گوش کند مشروط به اینکه صدای زن همراه با غنا نبوده و قصد لذت جویی و ترس از وقوع در حرام وجود نداشته باشد. اما در باب خواندن باید گفت که آنچه ملاک حرمت قرار می‌گیرد صدای غنایی و غیرغنایی است. پس، چیزی که حرام دانسته شده است خواندن همراه با غناست؛ از این رو خواندن بدون غنا ایرادی ندارد و مباح است. پس می‌توان گفت که آوازخوانی زن در صورتیکه غیرغنایی باشد، فی نفسه حرام و ممنوع نیست؛ مشروط بر آنکه به گوش نامحرم نرسد.

6- جمعی از فقها از حرمت غنا، غنای زن خواننده را در مراسم عروسی و زفاف، به شرط تکلم نکردن به باطل، حضور نداشتن مردان، نشنیدن نامحرم و به کار نرفتن آلات لهو، استثنا کرده و آن را جایز دانسته‌اند. بنابراین، اجرتی را که زن خواننده بابت خوانندگی در این مراسم دریافت می‌کند حلال است.

7- نسبت به بلند نماز خواندن (در نمازهای جهریه) و بلند لبیک گفتن (تلبیه) خانم‌ها در صورتی که نامحرم صدای آنان را می‌شنود، نهی شده است.

8- تمامی فرقه‌های اهل تسنن بر این باورند که؛ اصل غنا به تنهایی حلال و آن چه از محرمات همراه آن انجام می‌گیرد آن را دچار اشکال می‌سازد. در حالی که اهل تشیع بیشتر به حرمت ذاتی غنا قائل هستند.

9- در همه مذاهب صدای زن غالباً در حکم عورت نیست. مگر اینکه با محرمات و عوامل تحریک‌زا و نرمی و خضوع، همراه شده باشد و شنونده را به مفسده و گناه بکشاند.

در جمع بندی نهایی می‌توان گفت غنای ایرانی، غربی و با استفاده از هر نوع ابزار موسیقی با ویژگی‌های زیر حرام است و در غیر این صورت مانعی ندارد:

1. مبتذل و تحریک کننده جنسی؛
2. مناسب مجالس رقص و گناه
3. مناسب مجالس عیش و نوش
4. موجب فساد



5. غنایی که چنان انسان را از خدا غافل نماید یا آنکه یاد خدا برایش ضعیف شده که نتواند او را از گناه باز دارد.

6. غنایی با محتوای اشعار باطل و... حرام است.

در همه موارد فوق این عرف عام است که تشخیص دهنده موسیقی و غنای حلال و حرام می باشد در موارد مشکوک که عرف عام یا افکار عمومی دچار شک و تردید گردد، برائت جاری می شود و مانعی ندارد.

منابع

- انصاری، مرتضی، 1415ق، المكاسب، قم، تراث الشيخ الأعظم
 بحرانی، شیخ یوسف، 1414 ق، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه النشر الإسلامی
 بهجت، محمدتقی، 1378، استفتائات، قم، نشر شفق
 بهجت، محمد تقی، 1379، توضیح المسائل، چاپ بیست و چهارم، قم، نشر شفق
 تبریزی، میرزا جواد، 1378، استفتائات جدید، چاپ اول، قم، نشر سرور
 خامنه ای، سید علی، 1381، اجوبه الاستفتایات، چاپ اول، تهران، نشر الهدی
 خامنه ای، سیدعلی، 1388، اجوبه الاستفتایات، تهران، چاپ و نشر بین الملل
 خمینی، سید روح الله، 1372ش، استفتاءات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد 2
 خوئی، سیدابوالقاسم، 1409ق، مبانی عروة الوثقی، قم، العلمیة
 سیستانی، سید علی، بی تا، منهاج الصالحین، بی جا
 شهید ثانی (عاملی)، زین الدین بن علی، 1414ق، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة
 صافی گلپایگانی، لطف الله، 1378، جامع الاحکام، چاپ دوم، قم، حضرت معصومه
 صدوق، علی بن بابویه، 1404ق، من لایحضره الفقیه، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی
 طباطبایی، سید محسن، 1391، مستمسک العروه الوثقی، بیروت، دار احیاء تراث العربی
 عاملی، شیخ حر، 1416ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت
 عزیزی ناصرآباد، نجمه، 1392، بررسی احکام غنا و موسیقی از دیدگاه فقهای معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته الهیات (فقه ومبانی حقوق)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج
 عمید، حسن، 1389، فرهنگ لغت عمید، تهران، امیرکبیر
 لنکرانی، فاضل، 1379، جامع المسائل، قم، امیر
 مکارم شیرازی، ناصر، 1379، استفتائات جدید، چاپ اول، قم، مدرسه علی بن ابی طالب
 نجفی، محمد حسن، 1362 ش، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الطبع السابعة، ج 29، بیروت لبنان، دارالاحیاء التراث العربی
 نراقی، احمد بن محمد، 1415ق، مستند الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث
 نراقی، احمد بن محمد، 1379ش، مستند الشیعه فی احکام شریعه، مشهد، مؤسسه آل بیت (ع)
 نوری، حسین و مکارم، ناصر و خمینی، سید روح الله، 1413ق، تعلیقات علی العروة (النکاح)
 نوری همدانی، حسین، 1378، توضیح المسائل، چاپ 15، مؤسسه مهدی موعود
 نیشابوری، مسلم بن حجاج، 1427ق، صحیح مسلم، چاپ چهارم، بیروت، لبنان، دارالکتب علمیه
 وحید خراسانی، حسین، 1419 ق، توضیح المسائل، چاپ اول، قم، مدرسه الامام باقر العلوم
 ورعی، سید جواد، پژوهشی فقهی درباره صدای زن 2، مجله پیام زن، شماره 107، سال 1379
 هاشمی شاهرودی، سید محمود، 1382، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی
 هندی، فاضل، بی تا، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الاحکام، قطع رحلی
 یزدی، سید محمد کاظم، 1420ق، العروة الوثقی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی